

1-Review

Context

ای کاش تو دیشب اینجا بود، خیلی خوش گذشت.

I wish you were here last night; we had a very good time.

می دونی چه اشتباهی کردم؟

Do you know what mistake I have made?

واقعاً جای تأسفه که تو مهمون دعوت کردی شام درست نکردی.

That's a shame you have invited the guest you haven't cooked anything.

خدا کنه پدرت تو مهمونی نباشه امشب.

I wish your father wouldn't be at the party tonight.

برادرت آنقدر عصبانیه اصلاً نمی شه رفت سمتش.

Your brother is so angry it seems that's out of the question to speak with him.

ای کاش مادرت تنها نبود دیشب من دعوتش می کردم.

I wish your mother weren't alone, I would invite her.

ای کاش یه کم لاغرتر بودی.

I wish you were thinner.

میشه یه لطفی در حقم بکنین؟

Could you do me a favor?

امکانش هست ازتون خواهش کنم این موضوع رو مورد بحث و بررسی قرار بدین؟

Could I possibly ask you to enter on this subject?

امکانش هست ازتون خواهش کنم این موضوع رو پیگیری کنید؟

Could I possibly ask you to prosecute this subject?

ای کاش تو معلم بودی.

I wish you were my teacher.

خدا کنه فردا هوا بارونی نباشه.

I wish the weather wouldn't be rainy tomorrow.

جای تأسفه که هوا طوفانی من قرار بود بچه هامو ببرم مسافرت.

That's a shame the weather is stormy, I was supposed to take my children on a trip.

انگاری نمی شه حرفشو زد.

It seems that of the question.

من یادم میاد پارسال اینجا شام خوردم.

I remember eating dinner here last year.

ای کاش دستورات عمل این دستگاه به انگلیسی بود.

I wish the instruction were in English.

ای کاش تو زن من بودی.

I wish you were my wife.

می دونی من چه آرزویی دارم؟

Do you know what I wish?

خدا کنه پدرتونم همراه ما باشه تو مسافرت، اون نباشه اصلاً حال نمی ده.

I wish your father would be on a trip with us, it won't be much of the trip without him.

Vocabulary

وارد موضوع یا بحث شدن

Enter on the subject

2-I wish we had a newer car

Context

می دونی من چه آرزویی دارم؟

You know what I wish?

می دونی چی هوس کردم؟

You know what I fancy?

هوس یه شیر داغ کردم.

I fancy a hot milk.

هوس یه قهوه دبل شات کردم.

I fancy a double shot coffee.

هوس یه مسافرت کردم.

I have an itch for going on a trip.

یه شیر داغ می خوام؟

Would you like a hot milk?

من تازه یه قهوه خوردم.

I have just drunk a coffee.

فعلاً نه.

I'm taking a rain check.

چه آرزویی داری؟

What do you wish?

ای کاش برادرت تو این جلسه شرکت کرده بود!

I wish your brother had attended this meeting!

ای کاش براش همون لباس رو خریده بودم!

I wish I had bought that dress for her!

ای کاش استعفا داده بودم!

I wish I had resigned!

ای کاش پولمو توی جوب آب نریخته بودم!

I wish I hadn't spent my money in a drain!

ای کاش معنی زه کشو به من گفته بودی!

I wish you had told me about the meaning of drain!

ای کاش من قبل عروسی رژیم گرفته بودم!

I wish I had gone on a diet before my wedding!

ای کاش قبل از پروژه حرفتو گوش داده بودم!

I wish I had taken your advice before the project!

ای کاش برادرت به من حقیقتو گفته بود!

I wish your brother had told me the truth!

ای کاش من بی فایده و بیهوده پولمو خرج نکرده بودم!

I wish I hadn't spent my money in vain!

ای کاش تمام پس اندازمو خرج نکرده بودم!

I wish I hadn't broken in to my nest egg!

ای کاش شما جلسه رو به تعویق ننداخته بودی!

I wish you hadn't postponed the meeting!

ای کاش جلسه رو به تعویق مینداختی!

I wish you postponed the meeting!

ای کاش مادرت همراهمون می اومد!

I wish your mother came with me!

ای کاش برادرت در این زمینه باهام همکاری می کرد!

I wish your brother cooperated with me in this respect!

ای کاش شما زودتر برای مهاجرت تقاضا می کردی!

I wish you applied for immigration earlier!

خیلی ریخت و پاشه اینجا ای کاش کارگر می گرفتم!

There is a mess here; I wish I hired a domestic!

مهمون ناخوانده رسیده برام.

I have received the gate-crasher.

ای کاش ملافه هارو عوض می کردم!

I wish I changed the sheets!

ای کاش سیگارو ترک می کردی.

I wish you gave up smoking!

Vocabulary

هوس خوراکی داشتن

Fancy

هوس کاری داشتن

Have an itch

بیهوده

In vain

بی فایده

Throw no avail

مهمان ناخوانده

Gate-crasher

Conversation text

A: You know what I wish?

B: What?

A: I wish we had a newer car.

B: I know; it's a shame we don't. If we had a newer car, we wouldn't spend so much money on repairs.

A: It's exactly what I was thinking.

B: .

3-I wish the flight wouldn't have a delay!

Context

خدا کنه اون با وام من موافقت کنه!

I wish he would agree with my loan!

خدا کنه برادرت شام بخوره! من چیزی نپختم!

I wish your brother would eat dinner! I haven't cooked any thing.

خدا کنه رییس تون کارمندای اینجارو تعلیق نکنه!

I wish your boss wouldn't make the staff redundant!

خدا کنه این همسایه بغلی از ما شکایت نکنه!

I wish the next-door neighbor wouldn't complain against us!

خدا کنه پرواز تأخیر نداشته باشه!

I wish the flight wouldn't have a delay!

ای کاش یکی بود!

I wish someone were!

ای کاش یکی یه کاری می کرد!

I wish someone did!

ای کاش یکی یه کاری کرده بود!

I wish someone had done!

خدا کنه یکی باشه!

I wish someone would be!

خدا کنه یکی یه کاری بکنه!

I wish someone would do!

ای کاش تو تنها نبودی!

I wish you weren't alone!

ای کاش تورو تنها نمی داشتم!

I wish I didn't leave you alone!

ای کاش تنها نذاشته بودمت!

I wish I hadn't left you alone!

خدا کنه تنها نباشی!

I wish you wouldn't be alone!

خدا کنه تو رو تنها نذاره!

I wish he wouldn't leave you alone!

ای کاش من یه ماشین جدیدتری داشتیم!

I wish I had a newer car!

جای تأسفه که ماشین جدیدتر نداریم.

It's a shame we haven't got a newer car.

اگه ماشین جدیدتری داشتیم اونقدر پول پای تعمیرات نمی دادیم.

If we had a newer car, we wouldn't spend so much money on repairs.

اگه ماشین جدید تری خریده بودیم اونقدر پول پای تعمیرات نمی دادیم.

If we had bought a newer car, we wouldn't have spent so much money on repairs.

اگه دزدی رو کنار می داشتی آخر عاقبتت به زندان نمی کشید.

If you left the robbery you wouldn't end up to prison.

اگه دزدی رو گذاشته بودی کنار ، عاقبتت به زندان نمی کشید.

If you had left the robbery you wouldn't have ended up to prison.

اگه پولاتو پس انداز کرده بودی و پای دخترا نداده بودی عاقبتت به فقر و رسوایی نمی کشید.

If you hadn't spent your money on the girls you wouldn't have ended up to poverty and scandal.

قربون دهنتم منم همینو می خواستم بگم.

You can say that again, you have taken the words out of my mouth.

این دقیقاً همون چیزیه که داشتم بهش فکر می کردم.

It's just what I was thinking.

اگه موهاتو کوتاه نمی کردی سنتو پایین نمی آورد.

If you didn't have a haircut, it wouldn't take years off of you.

اگه بمونم به من گیر می ده.

If I stay here, he will pick on me.

اگه می موندم به من گیر می داد.

If I stayed, we would pick on me.

اگه مونده بودم اینجا به من گیر می داد.

If I had stayed, he would have picked on me.

اگه می موندم یا مونده بودم الان به من گیر می داد.

If I stayed/ had stayed he would be picking on me.

ای کاش اینجا بودی

I wish you were here!

ای کاش می موندی اینجا!

I wish you stayed here!

ای کاش تو اینجا مونده بودی!

I wish you had stayed here!

خدا کنه تو اینجا بودی!

I wish you were here!

خدا کنه تو اینجا باشی!

I wish you would be here!

خدا کنه تو اینجا بمونی!

I wish you would stay here!

من قبلنا سیگار می کشیدم.

I used to smoke cigarette.

مامان من قبلنا با غذاش نوشابه می خورد.

My mother used to drink cola with her meal.

پدر من قبلنا سخت گیر بود.

My father used to be strict.

اون سابقاً همکارم بود.

He used to be my colleague.

اون قبلاً همسایه ام بود.

He used to be my neighbor.

برادرت سابقاً منو می ترسوند.

Your brother used to frighten me.

سابقاً سیگار می کشیدی؟

Did you use to smoke cigarette?

قبلاً برادرت اینجا کار می کرد؟

Did your brother use to work here?

چرا سابقاً مواد مصرف می کردی؟

Why did you use to obsess drugs?

سابقاً کجا زندگی می کردی؟

Where did you use to live?

سابقاً سیگار نمی کشیدم.

I didn't use to smoke cigarette.

من عادت دارم سیگار بکشم.

I'm used to smoking cigarette.

برادرم عادت داره فحش بده.

My brother is used to cursing.

تو عادت داری سر کلاس خمیازه می کشی.

You are used to yawning in the class.

بچه هام عادت دارن صبح دیر بیدار شن.

My children are used to waking up late.

من عادت داشتم سیگار بکشم.

I was used to smoking cigarette.

برادرم عادت داشت تند رانندگی کنه.

My brother was used to driving fast in his youth.

من عادت کردم تند رانندگی کنم.

I have gotten used to driving fast.

برادرم عادت کرده خروپف کنه.

My brother has gotten used to snoring in the bed.

عادت کردی تقلب کنی.

You have gotten used to cheating.

انگاری عادت کردی تقلب کنی!

It seems like you have gotten used to cheating!

Vocabulary

دزدی

Robbery

فقر

Poverty

رسوایی

Scandal

ترساندن

Frighten

